



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امروز دو نوشته از آقایان داریم، اول اینکه سوال شده آیا امر به معروف و نهی از منکر در صورتی واجب است که ضرر و منفعت بر حال دین و جامعه داشته باشد یا اینکه اگر مربوط به اعتقاد خود شخص است و ربطی به جامعه ندارد نیز واجب می باشد؟ ظاهراً از بحثهایی که تا به حالا کرده ایم مطلب روشن شده امر به معروف و نهی از منکر برای اداره کامل و وسیع جامعه می باشد بنابراین به طور کلی مربوط به ارزش های دینی و ضد ارزش ها می باشد و ما نیز آماری از معروفات و منکرات از دفتر تبیان و از قول امام رضوان الله علیه ذکر کردیم.

سوال دوم اینکه فرزندان تا چه اندازه در قبال منکراتی که والدین آنها مرتکب می شوند وظیفه دارند؟ ما یک بابی داشتیم که روایاتی در آن ذکر شده بود که بر هر کسی واجب عینی است که اهل و عیال خودش را امر به معروف و نهی از منکر کند خب عکس این نیز صادق است یعنی فرزندان نیز چنین وظیفه ای در مقابل پدر و مادر خود دارند.

در نوشته دوم نویسنده ابتدا به سراغ کلام مرحوم آیت الله العظمی خوانساری رحمه الله علیه در جامع المدارک در مورد خبر مسعدة بن صدقة که ما گفتیم ضعیف است رفته و فرموده اگر خبر مذکور ضعیف هم باشد ولی مذکور در کتب اخبار می باشد، ما عرض می کنیم ذکر در کتب اخبار دلیل بر حصول اطمینان نمی باشد، ایشان در ادامه نوشته اند علم به منکرات و معاریف شرط وجوب است یا شرط واجب؟ این بحث مهمی بود که پشت سر گذاشتیم و ما شرط واجب بودن را تقویت کردیم، حالا ایشان می فرمایند اگر شرط واجب نباشد بلکه شرط وجوب باشد باز بر مکلف واجب است که علم به معروف و منکر پیدا کند، اگر شرط واجب ندانیم بر مکلف واجب است

احکام مبتلی به را یاد بگیرد اما یاد گرفتن احکامی که مبتلی به نیست بر او واجب نمی باشد، اینجا ثمره می دهد شرط واجب بدانیم واجب است تمام معروفات و منکرات را یاد بگیرد و بشناسد اما اگر شرط وجوب بدانیم به بحث یاد گرفتن احکام خدا مربوط می شود که این یادگیری به اندازه ای که انسان مبتلی به است واجب می باشد و دلیلی بر یادگیری آن مسائلی که مبتلی نیستند نداریم، بالاخره ایشان مطالب بسیاری نوشته اند من جمله اینکه در شبهات حکمیه قبل الفحص اجراء اصل درست نیست که همینطور هم هست میزان بین شبهه حکمیه و موضوعیه این است که هرکجا منشأ شک عدم النص یا اجمال النص و یا تعارض النصین باشد شبهه حکمیه می باشد که این وظیفه مجتهد است که اول باید تفحص کند و در صورت عدم ظفر به دلیل به اصل رجوع کند که در شبهات بدویه به اصل برائت رجوع می کند در مانحن فیه نیز همین طور است منتهی باید توجه داشته باشیم که در اینجا اگر ما شک کردیم که علم به معروفات و منکرات شرط وجوب است تا لازم التحصیل نباشد و یا شرط واجب است تا لازم التحصیل باشد باید به سراغ اصول برویم که اگر اصل لفظی داشتیم باید آن را جاری کنیم در غیر اینصورت باید به سراغ اصول عملیه برویم، اصل لفظی در اینجا اطلاقات می باشد و دلیل ما نیز همین است یعنی ما چه بدانیم و چه ندانیم باید این کار را انجام بدهیم که لازمه اش این است که باید برویم و یاد بگیریم یعنی اطلاقات أدله در اینجا اقتضاء می کند وقتی شرط واجب شد برود و یاد بگیرد اما اگر أدله لفظیه اطلاق نداشته باشند نوبت به اصل عملی می رسد که در صورت شک اصل برائت جاری می شود.

خب ما کلام امام رضوان الله علیه را می خواندیم که خیلی به بحث ما کمک می کند، یکی از مطالبی که ایشان در تحریرالوسیلة بیان کرده این است که آیا وجوب امر به معروف و نهی از منکر توصلی است یا تعبدی؟ مثلاً واجب است اگر دیدیم کسی شراب می خورد او را نهی کنیم حالا این وجوب تعبدی است یا توصلی؟ در صورت شک،

الاستقبال وجب، وكذا لو علم أن نهي عن شرب الخمر بالنسبة إلى كأس معين لا يؤثر لكن نهي عنه مؤثر في تركه فيما بعد مطلقاً أو في الجملة وجب.

مسألة ۹ - لو علم أن أمره أو نهي بالنسبة إلى التارك والفاعل لا يؤثر لكن يؤثر بالنسبة إلى غيره بشرط عدم توجه الخطاب إليه وجب توجهه إلى الشخص الأول بداعي تأثيره في غيره»^۳.

بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالى

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

اطلاق يقتضى كه الاصل فى الواجب أن يكون عينياً لا كفائياً تعيينياً لا تحييراً توصلياً لا تعبدياً زیرا واجبات كفائى و توصلى و تحيیری قيد نیاز دارند.

كلام امام رضوان الله عليه در تحرير الوسيلة اين است: «مسألة ۱۲ - الأمر والنهي في هذا الباب مولوي من قبل الأمر والنهي ولو كانا سافلين، فلا يكفي فيهما أن يقول: إن الله أمرك بالصلاة أو نهاك عن شرب الخمر إلا أن يحصل المطلوب منهما، بل لا بد وأن يقول صل مثلاً أو لا تشرب الخمر ونحوهما مما يفيد الأمر والنهي من قبله.

مسألة ۱۳ - لا يعتبر فيهما قصد القربة والاخلاص، بل هما توصليان لقطع الفساد وإقامة الفرائض، نعم لو قصدهما يؤجر عليهما»^۱.

اگر کسی نماز جماعت را برای شهرت بخواند باطل است زیرا واجب تعبدی می باشد اما اگر کسی از شراب خواری جلوگیری کند این واجب توصلی می باشد ولو اینکه مشهور و معروف شود به اینکه آدم خدمتگذاری می باشد در واقع امام رضوان الله عليه می خواهند بفرمایند وجوب امر به معروف و نهی از منکر توصلی می باشد و قصد قربت در آن معتبر نیست بنابراین ما در این مسئله باید بین توصلی و تعبدی فرق بگذاریم.

امام رضوان الله عليه در جای دیگر و در مسائل دیگر اینطور می فرمایند: «مسألة ۹ - لو أمر بالمعروف أو نهى عن المنكر في مورد لا يجوز له يجب على غيره نهي عنهما. مسألة ۱۰ - لو كان الأمر أو النهي في مورد بالنسبة إلى بعض موجبا لو هن الشريعة المقدسة ولو عند غيره لا يجوز خصوصاً مع صرف احتمال التأثير، إلا أن يكون المورد من المهمات، والموارد مختلفة»^۲.

باز ایشان در مسئله ای دیگر اینطور می فرمایند: «مسألة ۸ - لو علم أن إنكاره غير مؤثر بالنسبة إلى أمر في الحال لكن علم أو احتمال تأثير الأمر الحالي بالنسبة إلى

^۱ تحرير الوسيلة، السيد روح الله الخميني، ج ۱، ص ۴۶۵.

^۲ تحرير الوسيلة، السيد روح الله الخميني، ج ۱، ص ۴۶۷.

^۳ تحرير الوسيلة، السيد روح الله الخميني، ج ۱، ص ۴۶۸.